

بازار داغ راست و دروغ در سوزی‌های مراتع و جنگل‌ها

ابراهيم احمدیان

● به‌زام آتش‌سوزی در مراتع و جنگل‌های ایران، موضوع داغ فضای مجازی ایرانیان در خرداد که به رسانه‌های رسمی نیز راه یافت. حوادث مربوط به آتش‌سوزی‌ها لحظه‌به‌لحظه در فضای مجازی گرازش شد. اگرچه برخی گرازش‌ها چندان واقعی نبودند، ولی کلیت تصاویر که ارائه شد، چندان دور از واقع نبود، چیزی که در ماجرای خاییز یکی از مسئولان ارشد سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور گفت حدود ۴۰ درصد از درختان خاییز در آتش سوختند. غالباً آتش‌سوزی‌هایی که از ششم فضای مجازی رو به‌رخش، یا گرازش نمی‌شود به‌روای تتر نمی‌روند. برحسب آتش‌سوزی‌ها در مراتع جنگل‌های خاییز، شمرده می‌شوند و گرازش نمی‌شوند. هرچند خسارت خود را برچما می‌گذارند. چند روز پیش رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور یکبار دیگر آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع ایران را کم‌اهمیت خواند و گفت: «نظر اکولوژیک، آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع بخشی از زندگی گیاهی و حیاتی‌های طبیعی است و بی‌اطلاعات ذهن عموم را، متشنج می‌کند و جای نگرانی وجود ندارد». برعکس نظر ریاست سازمان، به نظر اکثر کارشناسان داخلی و خارجی، در عصر ما روند تخریب و به‌خصوص آتش‌سوزی در جنگل‌های جهان طبیعی نیست. ولی ایشان دراین‌باره درست گفته است ولی بیان اطلاعات غلط جای نگرانی دارد. اما عامل اصلی رواج شایعه و اخبار کذب چیست؟ یکی از عوامل مهم، ارائه یا سستی مسئولان امر در شفاف‌سازی و ارائه گرازش مستند و دقیق از آتش‌سوزی‌ها و خسارت‌های ناشی از آن و نبود ناظران بی‌طرف است. آیا آمار مسئولان از میزان آتش‌سوزی‌ها و خسارت دقیق است؟ کسی نمی‌داند. اطلاع‌رسانی‌ها سازمان‌ها دولتی به‌گونه‌ای نیست که مانع شیوع شایعات شود و یا به‌خاطر کذب نت کنند. برعکس، برخی گفتارها و رفتارهای مسئولان خود بر نگرانی و بی‌اعتمادی دامان می‌زند. همین که رئیس یکی از سازمان‌های مسئول بارها از بی‌اهمیتی آتش در جنگل و مرتع بگوید، کافی است تا مردم به آمارهای سازمان او، بی‌اعتماد شوند. در ماجرای خاییز رفتار مسئولان هم با مطلقه مصراغه افکار عمومی همخوانی نداشت. مردم روزهای متمادی در عروسیت داشتند که برای خاموش کردن آتش جدی‌تر عمل شود و مثلاً از وسایلی مانند هوپامی آبپاش استفاده شود، ولی به‌جای آن، تصاویر محیط‌بانان و جنگل‌بانانی را دیدند که با وسایل ابتدایی و حتی گریه‌وزاری به جنگ با آتش مشغول بودند. شاید هزاران نفر نیروی داوطلب برای حضور در کنار مأموران دولتی اعلام حضور کردند، ولی آنها نه توان سوزاندن و دودانی سازماندهی شده‌اند نه قرار است بشوند. درحالی‌که دو سازمان مسئول، یعنی محیط زیست و جنگل‌ها و مراتع، از کمبود بی‌سابقه نیروی انسانی رنج می‌برند. هزاران نیروی داوطلب امکان یا اجازه حضور در کنار آنها را ندارند. این گفتارها و رفتارها چنین الحلی کنند که جنگل و مراتع سوزانده نمی‌شوند در نظر مسئولان ندارند و آتش‌سوزی مهم نیست. اگر نظر مسئولان بر این است که آتش‌سوزی در جنگل و مرتع مهم نیست، دست‌کم باید نظر خود را مستند و روشن به افکار عمومی ارائه کنند و اینکه پیوسته از جایگاه «دانشی که» بدون ارائه دلیل علمی و برخلاف نظر اکثریت کارشناسان دفین آتش‌سوزی: «آتش‌سوزی مهم نیست»، افکار عمومی را قانع نمی‌کند.

کامیل احمدی، پژوهشگر اجتماعی، در گفت و گو با «شرق» درباره کار کودکان مطرح کرد

غارت کودکی در بازار ۳ هزار میلیاردی زباله



عکس: عباس محمدی، مهر

مختلف و بازار فشن و پوشاک و آرایش استنمار می شود. اما برآسیب‌ترین شکل‌های کار کودک دسته‌هایی هستند که امروزه متأسفانه در فضای عمومی هم شاهد حضور کودکان در گروه‌های بزرگ و عظیم هستیم مثلاً کودکانی که در «چرخه دست‌فروشی، تددی‌گری و حمله گدایی» از فضای عمومی شده و می‌شوند و این کودکان از خانواده‌هایی که سوءمصرف مواد مخدر دارند یا به خاطر فقر و کم‌سودایی دسته‌های خاصی از گروه‌هایی هستند که کودکانشان را به شکلی اجاره می‌دهند و خانواده‌های فرزندان را مجبور به کارهایی از این دست می‌کنند که جدای از حقوق اولیه کودکان از این کودکان مرتب مورد تحقیر قرار می‌گیرند و به خاطر معصومیتی که کودک در فضای عمومی از نگاه شهروندان دارد، مورد دلسوزی شهروندان قرار می‌گیرد و کمک مالی می‌شود. در حقیقت کمک مالی که ما به این خانواده‌های می‌کنیم مشوق بیشتر خانواده‌ها و باند‌های مافیایی است که بیشتر و بیشتر کودکان را از این فضای بیرون برنهند و تددی‌گری وارد می‌کنند. دسته‌هایی از مافیایی کار کودک بروز و نمود دارد و مشاهده می‌شود که در منطقه وجود دارند و اینها گروه‌های کودکان غیرقانونی‌ای هستند که مثلاً به کشورها قاچاق می‌شوند. شاهد دسته‌هایی که کودکان هستیم که مهاجران غیرقانونی‌اند که می‌توانون در ایران هستند و گاهی حتی ممکن است فارسی بلد نباشند و مشخص است که از جای دیگر آورده شده‌اند که حتی خانواده‌هایشان همراهشان نیستند. اینها میان خودشان قراردادهایی دارند که در ازای هر کودک مبلغی پرداخت شود، ساعت کار بسیار طولانی‌ای دارند و صاحبکاران آنها را به شکل سازمان‌یافته در جاهای شخصی‌یاد کرده و دوباره در سامان مشخصی سوار

می‌کنند و از بچه‌ها انتظار می‌رود در طول روز با اندکی تفاوت میزان مشخصی درآمد داشته باشند، در غیر این صورت، با آنها برخورد می‌شود. درخصوص کار کودک و مافیا، صحبت‌های زیادی هست. مافیا-کنون درباره زباله‌گردی این کم‌نازنی هست که آیا مافیایی وجود دارد که سیستم عظیم زباله‌گردی را با گردش مالی دو تا سه هزار میلیارد تومان در سال می‌چرخاند. اما در حقیقت فکر نمی‌کنم به آن شکل خیلی یکدست مثلا در حوزه زباله‌گردی مافیا وجود داشته باشد. زباله‌گردی قراردادی وجود دارد که از بیمانکار برای شهرداری‌ها یا چانه‌زنی برای قراردادهای گرفتن شرایط بهتر انجام می‌شود یا زباله‌گردهای غیرقانونی که زیر ۱۸ سال هستند و این تخلفات چشم‌پوشی می‌شود و مشخص است که رانتی وجود دارد اما اینکه از مافیای عظیم و درهم‌تنیده صحبت شود اثباتش سخت است.

زمان کودکی ما کار کودک در تابستان و تعطیلات
فضیلت بود، الان کلا مدل فرهنگی نگاه به کودکان

کار کوکدی در انواع بدترین اشکال کار کوکد به حساب آورده شده است؛ از قبیل کار در فضاهای عمومی مثل دست‌فروشی یا کار در چهارراه‌ها و خیابان‌ها که به زنجیره‌های و مافیای توسط گروه‌های مختلف کودکان کار استغمار می‌شوند. بیشتر آسیب را به کودکان وارد می‌کنند. کودکانی که در کار زباله‌دوانی هستند نیز آسیب‌های متعددی مانند دیگر گروه‌های بدترین اشکال کار کوکدی می‌بینند اما بدتر این است که جسم و سلامت کودکان به خاطر نزدیکی با زباله‌ها و آلوده‌بودنشان در خطر است و مخصوصاً اخیراً که اکثر زباله‌های خانگی خود به پیروس کرونا و دستگاه‌های هوا و ماسک‌های به‌جامانده از مصرف روزانه شهروندان هستند. شکل دیگری از کار کوکد که بدترین شکل کار کوکد نام گرفته و از دیرباز مورد توجه فعالان حوزه کار کوکد بوده است، کار کارگاه‌های زیرزمینی است؛ یعنی کوکدانی که کمترین تماس را با فضای عمومی دارند. کمتر دیده می‌شوند و در فضایی بسیار تنگ کار می‌کنند و نوع شیوه کارشان متناسب با روحیه، سن و جسمشان است. کار در این کارگاه‌ها به شدت مکانیزه، سیستماتیک و فرایندی در فضاهای بسیار بسته، آلوده، نمناک و تاریک دارند و بیشترن آسیب را می‌بینند و کمترین حمایت را از جامعه و فضای عمومی می‌بیند چون ممکن است کوکد کاری که در محل دست‌فروشی و زباله‌گردی مورد تعرض و خشونت قرار بگیرد، جامعه یا شهروندان حساسیت نشان دهند و برخورد قناد و این واکنش باعث می‌شود کودکان مورد خشونت قرار نگیرند اما این در مورد کودکان زیرزمینی متأسفانه صدق نمی‌کند و در فضای بسته امکان هرگونه رفتار نامناسبی با این کودکان وجود دارد.

اینکه از مافیای کار کودکان صحبت می‌شود درست است؟ این مافیا دقیقاً چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

بعد از انقلاب صنعتی در دنیا گمانه‌زنی‌هایی درباره وجود مافیای کار کودکان شکل گرفت؛ بیشتر در جامعه توسعه‌یافته و جامعه غربی که خیلی از انسان‌ها را وارد چرخه کار سیستماتیک و کارخانه‌ای کردند و بعد از اینکه زنان هم وارد این چرخه شدند و در اوج کار صنعتی در آن حوزه نبودند، انسان‌ها کم‌آوردند و متأسفانه کودکان

هم به این چرخه به‌صورت سیستماتیک وارد شدند. از آن زمان مافیای کار کودک همیشه مورد بحث بوده که شکل‌های متفاوتی از مافیا وجود دارد که کودکان را استثمار می‌کند و به شکل گروهی و سازمان‌یافته از کودکان در بخش‌های مختلف استفاده می‌شود. مثلاً از دیرباز همیشه این اتهام وجود داشته که گروه‌های مخوفی هستند که کودکان را وارد چرخه گروهبندی استفاده‌های جنسی می‌کنند و آنها را بینش‌های

تغییر کرده است. چقدر استفاده کودکان در کار به فرهنگ برمی گردد؟

از دیرباز همیشه رایج بوده که کودکان از سن بین کم همراهِ والدینشان در جوامع روستایی و شهرستان‌های کوچک کار کرده‌اند و وارد کارهای خانگی و کشاورزی شده‌اند. معمولاً در خانواده‌ها رایج بوده که در کارهای بربا بوده و دخترها قالی بافته و پسرها را پدر در کارهای خارج از خانه همراهِ می‌شدند. بخش‌خی به یاد دارم بیشتر تابستان‌ها یا با پدرم سر کار بودم یا دست‌فروشی می‌کردم و در کارهای کشاورزی کمک می‌کردم و فاطرات بسیار خوبی از کارهای فصلی دارم که جدا-مه‌رات‌هایی که در این حیطه آموختم و آموختم، ما همچنین نگاه جاعمری را در کنار مدرسه و زندگی و اجتماع به دست آوردیم و هم‌نسلان من هم این تجارب را داشتند. کار ما با کار کودکان درحال حاضر تفاوت دارد. کار کودک زمانی است که به شکل سیستماتیک و مکانیزه‌شده کودکان مجبور به کارکردن در ساعات طولانی باشند و پدرتی اینکه کودکان مورد استفاده و استثمار دیگری قرار بگیرند. همیشه این اختلاف نظر هست که آیا کودک در حیطه خانواده و کمک به امرا معاش کار کودک به حساب می‌آید یا نه. سازمان جهانی کار ILO و حتی سازمان وزارت کار ایران، کار را برای کودکان از سنی ۱۵ ساله باطنی شرایطی مجاز دانسته است. مثلاً، نوجوان ۱۵ ساله به بالا در شرایطی که کار شبانه‌نهی کار بدی و سخت نباشد، امتیازات کار قانونی نیمه‌وقت را داشته باشد و بیمه داشته باشد، مجاز است؛ یعنی حتی در آن چارچوب هم کارهای غیررسمی را می‌توان به کارهای رسمی تبدیل کرد و خیلی از حمایت‌های قانونی را که در شکل‌های از کار کودک وجود ندارد، از شکل رسمی و وارد کار رسمی کرد و خیلی از آن آسیب‌ها را مورد نظر قرار داد. زمانی که در حیطه پژوهش به خانواده‌ها می‌گویند کار کودک به آنها آسیب می‌زند، واقعاً از لحاظ فرهنگی موردقبولشان نیست و فکر می‌کنند کودکان باید کار کنند که ورزیده شوند و دختران بتوانند بعد از ازدواج خانواده‌شان را اداره کنند. این نگاه سنتی باعث می‌شود نوعی چراغ سبز نشان‌دادن به خانواده‌های واردکردن کودکان به چرخه کار کودک باشد. البته در کارهای خانگی هم موارد متعددی می‌بینید که کودکان مورد آزار و خشونت والدینشان هستند و در این چارچوب کار خانگی، اگر با جزئیات دقت کنید، کودک هیچ‌کدام از امتیازات کارگران ندارند. چون در چارچوب خانه کار می‌کنند و چگونگی برای کم به امرا معاش است این وظیفه به عهده کودک است و کودک نه‌تنها درآمدی دست‌نمی‌کند، بلکه هیچ‌یک از امتیازات قانونی را هم ندارد و چه‌بسا مورد اذیت و کارکنش غیرمعمول در ساعات طولانی از طرف والدین یا قطعاً دایره نظارت دستگاه‌های قانونی قرار می‌گیرد و کارکنان نظارت دستگاه‌های قانونی و حکومتی وزارت کار نسبت به این گروه از کودکان محدود است. زیرا در چارچوب خانواده و جامعه روستایی انجام می‌شود و نمی‌شود بر اینها نظارت کرد و هرگونه اعتراض و شکایت هم راه به جایی نمی‌برد. چون رابطه و خویشاوندی کاملاً این کار را توجیه می‌کند و قانون‌گذار نمی‌تواند دخالت چندانی (این زمینه داشته باشد).

♣ در کارهای زیرزمینی چقدر کودکان قربانی تجاوز جنس می‌شوند؟

سوءاستفاده جنسی از کودکان موضوعی است که گاهی در گزارش‌ها می‌شنویم اما واقعاً پژوهشی مختص به این موضوع انجام نشده و تا زمانی که چنین پژوهشی به شکل دقیق این اتفاق را بررسی نکند، می‌توانیم به گزارش‌های خبری و شکایت‌ها اکتفا کنیم...

ادامه در صفحه ۱۳

6	7					8		
		7				6	7	
		8	1				7	
			6					7
	8		7		6		6	
1					8			
	8				8	7		
	6	6				8		
		7					6	1

							᠑	᠑	
	᠑	᠕	᠑	᠑	᠑		᠑		᠕
᠑				᠑	᠑	᠕			
		᠑		᠕			᠑		᠑
	᠕							᠑	
᠑		᠑			᠕		᠑		
				᠕	᠑	᠑			
᠑		᠑		᠑	᠑	᠕	᠑	᠑	
	᠑								

[illegible][illegible]

۱۱- زخم‌بندی- باشعور ۱۴- جواب مثبت- پدر علی
ریخ- شاعر دربار سلطان سنجر ۱۵- فلزی دیرگد
جهان معنی- موجب شفا به لطف خدا.

A 15x15 grid with a black and white checkerboard pattern. The top row contains the labels 10, 1f, 13, 12, 11, 10, 9, 8, 7, 6, 5, 4, 3, 2, 1 from left to right.

مردم است- نوعی حرکت نمایشی با توپ ۹-
بویها و نیکیها- قتل عام- نوعی بارچه کلفت
۱- فضای بین دو خط- نجات یافته ۱۱- بدخلق و
صبی- از فرشتگان مقرب الهی ۱۲- حادثه، ماجرا-

جدول ۳۶۸۷ ■ طراح: بیژن گورانی

فقہی:

- ۱- نور اندک - جوش صورت - قارچ در بینی در
- ۲- نمبر ترش - شکمی - مقابل تقدم - توله‌سگ
- ۳- گذرگاه - هوسایه
- ۴- کزکری و باهاما - ظلمت ۴- قاتل - ارزش داشتن
- ۵- تیغه پروانه - برپسب پتلی - اسب سیاه
- ۶- دو روز پیش - مجبور ۷- دستور زبان خارجی -
- ۸- تنگین کمان - واحد اندازه‌گیری کار و انرژی
- ۹- سطح چیزی - رفتگی زبان - آواره - بله - روسی
- ۱۰- بلندترین قله رشته‌کوه‌های زاگرس - شغل
- ۱۱- زدن درهم ریخته ۱۰- بیشتر خرد - سست و
- ۱۲- حال ۱۱- فرامروا - خوردنی یابری -
- ۱۳- یان شطرنج ۱۲- فیلم مشهور استیون دالدری که
- ۱۴- زنده ۱۳- جایزه اسکار شد - بر زبان آوردن شهادتین
- ۱۵- سنگام دفن مرده ۱۳- نام‌ها - زمگاه پوکس -
- ۱۶- سیار مهربان ۱۴- کهن و قدیمی - اشاره - سالک
- ۱۷- حرف عطف عربی - حرکت و جنبش - ریز
- ۱۸- حرف انتخاب

ممودی:

- ۱- ظلم و جور- محل تغییر جهت پله-
عاده‌ها ۲- بازار- هدیه چهره‌شاهی عروس- نقره
۳- کم‌درآمد- شکسته‌شدن ۴- اقیانوس کبیر- از
جور شعر فارسی- کامل و بدون نقص بودن
- ۵- از ارتفاعات استان ایلام- چشم سوم ۶- شهری
را استان سیستان و بلوچستان- ادب ۷- نسبت
وزن با یک شهور- کتاب زرتشت- شهری در
ایران ۸- آنچه موضوع گفت‌وگوی بسیاری